

Examining the Relationship between Some of the Quranic Documentation of the Social Rights of Citizenship and the Mental Health of Society

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Mozhgan Mirnajafi¹
Hadi Azimi Gorgani^{*2}
Seyed Ali Pourmanouchehri³

How to cite this article

Mirnajafi M, Azimi Gorgani H, Pourmanouchehri S A. Examining the Relationship between Some of the Quranic Documentation of the Social Rights of Citizenship and the Mental Health of Society, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(3): 1-8.

ABSTRACT

In the religion of Islam, from the very beginning of its formation, both in Islamic texts (Qur'an and Hadith) and in the practice and behavior of the leaders of the religion, the importance of social rights in terms of preserving human dignity and providing the foundations of a healthy religious society, in many and frequent ways. It has been mentioned that action towards the realization of these rights is considered as the joint duties of the individual and the Islamic state, and a special legal and executive system has been designed for that. The purpose of approving social laws is to implement programs that provide benefits and social services, in accordance with the official laws of each country. Social rights are to meet individual needs and increase social integration and cohesion. The method of this research is descriptive-analytical. The enemies of Islam aim to destroy the mental health of the society by taking Islamic culture and beliefs, and this is where the Islamic lifestyle comes into play, which has a special place.

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Email: garekani1339@yahoo.com

Keywords: Social Rights, Citizenship, Quran, Constitution, Mental Health, Society.

بررسی رابطه میان مستندات قرآنی پاره‌یی از حقوق

اجتماعی شهروندی با سلامت روانی جامعه

مژگان میرنجفی^۱

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

هادی عظیمی گرکانی^{۲*}

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

سیدعلی پورمنوچهری^۳

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

خاص حقوقی و اجرایی طرح شده است. این در حالی است که در نظام های غربی، راجع به حقوق اجتماعی، مبانی، الگو و نظام مطلوبی وجود ندارد. به تاسی از اندیشه مترقی اسلامی، جلوه های نظام حقوق اجتماعی را می توان در اصول متعدد، از جمله بند ۴ اصل ۳ (بیمه بیوه گان و زنان سالخورده و بی سرپرست)، اصل ۲۸ (حق کار)، اصل ۲۹ (حق تأمین اجتماعی)، اصل ۳۰ (حق آموزش) و اصل ۳۱ (حق مسکن) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد. کرامت انسانی که در قرآن کریم بر آن تأکید شده، مبنای اصلی حقوق و آزادی های بشر است که به نوع شناختی که اسلام از انسان و جامعه ارائه می دهد، باز می گردد. در این پژوهش ابتدا مفاهیم نظری تحقیق بحث شده است و سپس رابطه میان مستندات قرآنی پاره‌یی از حقوق اجتماعی شهروندی با سلامت روانی جامعه تبیین شده است.

مفاهیم

۱. تعریف حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی در کتاب ترمینولوژی حقوق، به حقوقی اطلاق می شود که قانونگذار برای اتباع خود در روابط با مؤسسات عمومی مقدر داشته است، مانند حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن - در مجالس قانون گذاری انجمن های ایالتی و در هیأت های منصفه - و ادای شهادت در مراجع رسمی (۱). برای شناخت معنای حقوق اجتماعی، باید جایگاه فرد و اجتماع در هستی مشخص شود تا برداشت ما از حقوق اجتماعی با آن جایگاه انطباق داشته باشد. در دین مبیین اسلام، فرد و جامعه هر کدام جایگاه و حقوق خاص خود را دارند و در عین تعامل منطقی بین آنها، هیچ کدام فدای دیگری نمی شود (۲). براین اساس، نه اندیشه اصالت فرد که جامعه و مصالح آن فدای فرد شود، مورد تأیید اسلام است، نه مکتب اصالت جامعه که مصالح و حقوق فرد قربانی منافع جامعه شود؛ هر چند که در این تعامل سعی می شود، فرد در قبال مصالح عمومی به نوعی از خود ایثار نشان دهد. در قرآن، انسان موجودی است، در حال حرکت مستمر و دائمی معرفی می شود: «یا ایها الإنسان إنک کادحٌ إلی ربک کدحاً فملاًقیه» (انشقاق/۶). این حرکت در دو بعد فردی و اجتماعی است؛ و حرکت و تعالی فردی در درون جامعه انجام می گیرد، ولی فدای آن نمی شود (۳). با این رویکرد، حقوق اجتماعی عبارت است از مجموعه حق ها و حمایت هایی که از طریق آن، آسایش، رفاه و بهزیستی به حداکثر و عدم رفاه به حداقل می رسد؛ در یک معنی محدود به حقوقی می شود که فرد آن را به عنوان این که عضو جامعه است و با فعالیت شخصی و حرفه ای خود و یا به کارگیری دارایی خود در اجتماع تأثیر می گذارد، دارا می باشد. در یک معنی وسیع تر، حقوق اجتماعی، به سلسله حق هایی اطلاق می شود که به منظور رفع بی عدالتی های اجتماعی و اقتصادی برای فرد شناخته شده است و این بی عدالتی ها ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی برای فرد شناخته شده است و

چکیده

در دین مبیین اسلام، از همان اوایل شکل گیری، چه در نصوص اسلامی (قرآن و حدیث) و چه در عمل و سیره پیشوایان دین، اهمیت حقوق اجتماعی به لحاظ حفظ کرامت انسانی و تأمین بنیان های جامعه سالم دینی، به صورت متعدد و متواتر یادآور شده و اقدام در راستای تحقق این حقوق تکالیف مشترک فرد و دولت اسلامی تلقی و برای آن نظام خاص حقوقی و اجرایی طراحی شده است. هدف از تصویب قوانین اجتماعی اجرای برنامه های ارائه کننده مزایا و خدمات اجتماعی، مطابق با قوانین رسمی هر کشور است. حقوق اجتماعی جهت تأمین نیاز های فردی و افزایش یکپارچگی و انسجام اجتماعی است. اهداف این پژوهش، تبیین رابطه میان مستندات مصادیق حقوق اجتماعی با سلامت روانی جامعه می باشد. روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی است. دشمنان اسلام با هدف گرفتن فرهنگ و اعتقادات اسلامی از بین بردن سلامت روان جامعه هستند و در اینجا است که سبک زندگی اسلامی مطرح می شود که از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

واژگان کلیدی: حقوق اجتماعی، شهروندی، قرآن، قانون اساسی، سلامت روانی، جامعه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

*نویسنده مسئول: garekani1339@yahoo.com

مقدمه

حقوق اجتماعی، جایگاه مهمی در اندیشه های سیاسی، فقهی، حقوقی و مدیریت های اقتصادی و اجتماعی دارد. در دین مبیین اسلام، از همان آغاز شکل گیری، چه در نصوص و چه در عمل و سیره پیشوایان دین اهمیت حقوق اجتماعی به لحاظ و کرامت انسانی و تأمین بنیان های جامعه سالم دینی یادآور شده و برای آن، نظام

آبی آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما کرد، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند، و نهرها را مسخر شما ساخت، و خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند، به تسخیر شما درآورد، و شب و روز را مسخر شما کرد و از هر چیزی که از او خواستید به شما داد؛ و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد» (ابراهیم/۳۲). مطابق این آیه، خداوند نعمت‌های فراوان و مناسب نیاز انسانها را آفرید و آنها را مسخر انسان کرد تا بتواند زندگی مناسب شأن و کرامت خود به پا دارد. بر این اساس، یکی از اهداف دولت اسلامی در جایگاه خلیفه خدا بر روی زمین، تحقق بخشیدن غایات الهی و رساندن جامعه به رفاه مطلوب اسلامی و قرآنی است. بنابراین می‌توان گفت که یکی از وظایف حکومت اسلامی، تضمین سطح زندگی آبرومندانه برای تمامی افرادی است که توانایی تأمین نیازهای خود را ندارند و از این رو نیازمند کمک اند.

۱. حق حجاب

واقعیت این است که در قبول این اصل که به صورت طبیعی پوشش جزء حقوق لاینفک انسانی است در آن نمی‌توان شک کرد و از سوی دیگر در این که عریانی و ناتوریست شدن^۱ وضعی غیرطبیعی برای بشر امروز است، نیز نباید تردید کرد. لذا در این ارتباط دو مسئله اساسی قابل طرح است: اول، اصل پوشش به مثابه حقوق بشری و حق بر تنوع، احترام به سلیقه فردی و میزان اعتبار آنها در وضعیت اجتماعی، مدنی و حقوقی؛ دوم تفاوت‌ها در سبک پوشیدن بین شهروندان مختلف یک جامعه اعم از زن و مرد.

حق پوشش به مثابه جزئی از نیازهای طبیعی و غریزی انسان از حقوق بشری افراد انسانی می‌باشد. سبک پوشش در اجتماع بر اساس قوانین جمعی جزئی از حقوق و تکلیف شهروندی افراد جامعه می‌باشد. در آیه ۲۶ سوره اعراف می‌خوانیم: «ای فرزندان آدم لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمت‌های او) شوند!» قرآن قبل از ورود به بحث ستر و حدود آن، به برنامه جامع تربیتی اقدام کرده و با خطاب قرار دادن افراد جامعه، از آنها می‌خواهد تا مشترکاً با اتخاذ تدابیری به سلامت همگانی در عرصه جسم و روح فرد و جامعه مدد رسانند: «قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم... و قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن»؛ یکی از نمادهای این تربیت همگانی توجه به روابط زن و مرد در جامعه است. از اینروست که خواهان آنست که مردان و زنان مؤمن در مواجهه با یکدیگر حدودی را مراعات کنند. نظارت بر رعایت این حدود در جامعه اسلامی از آن جهت که با سلامت کل افراد در ارتباط است از وظایف دولت تلقی می‌گردد (۸). همان گونه که فرد در وضعیت طبیعی می‌تواند برای سلامتی و حفظ جان خویش در برابر خطرات خویشتن خویش را

این بی‌عدالتی‌ها ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند.

۲. مفهوم شهروند

شهروند از کلمه شهر ریشه می‌گیرد و «City» از واژه لاتینی «لویتاس» مشتق است، لویتاس تقریباً معادل واژه «پلیس» در زبان و فرهنگ یونانی است. بنابراین شهر تنها مجتمعی از ساکنین یک منطقه معین نیست بلکه مفهوم سیاسی مستقلی را افاده می‌کند (۴). در معنای اصطلاحی شهروند آمده: شهروند یا تبعه به کسی گفته می‌شود که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است (۵).

۳. حجاب

حجاب واژه عربی به معنای پرده، چادر، درپوش، نقاب، ستر و پوشش است (۷). راغب اصفهانی در مفردات واژه حجاب را این گونه معنی کرده است: «الحُجْب و الحجاب، المنع من الوصول: حجاب؛ یعنی آن چه مانع رسیدن می‌شود». «الحجاب، السَّتر و امراه النحویبه» حجاب؛ یعنی پوشش، وامره المحجوبه؛ یعنی زنی که خود را پوشانیده است (۸). بنابراین حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است؛ اگرچه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است؛ ولی ظهور در رفتار فرد دارد.

سرچشمه حقوق اجتماعی انسان

بر اساس بینش توحیدی، مبنا و اساس حقوق و تکالیف اجتماعی انسان نیز حق الهی است، یعنی منهای حق الهی بر انسان، هیچ کس هیچ حقی بر دیگری ندارد و تنها خداوند است که حق دارد به انسانها بگوید؛ نسبت به یکدیگر چگونه عمل کنند و چه حقوق و تکالیف متقابلی دارند. از این دیدگاه، اساس شکل‌گیری نظام اجتماعی، حقوق الهی است و اوست که حق دارد روابط اجتماعی ما را تنظیم کند. اولاً و بالذات، اختیار، اقتدار، ولایت و ربوبیت تنها مخصوص اوست و حق قانونگذاری و فرماندهی به او تعلق دارد. اگر از این زاویه به تکالیف و حقوق اجتماعی بنگریم، نتیجه می‌گیریم تکالیفی که انسانها در برابر یکدیگر دارند، در واقع شعبه‌ای از همان تکالیفی است که در برابر خدا دارند و در برابر خداوند متعال نسبت به تکالیف اجتماعی خود مسئول خواهند بود.

رویکرد اسلامی به اندیشه حقوق اجتماعی

خداوند متعال در برخی از آیات قرآن کریم به مقوله حقوق اجتماعی اشاره نموده و همچنین در برخی آیات و روایات این مسئله مورد توجه قرار گرفته است.

«اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفَلَکَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ». «خداوند آسمانها و زمین را آفرید، و از آسمان

¹ طبیعی زیستن به معنای نبود حیاء و پوشش

در خانه، اتاق برای سلامتی و حفظ جان خویش در برابر خطرات خویشتن خویش را در خانه، اتاق یا لباس هایی خاص محدود کند، جامعه نیز برای همین مقاصد می توان اعضای خویش را محدود سازد تا مجموعه در سلامت و امان باشد (۹).

۱-۱ دخالت حاکمیت در عفاف و حجاب

به طور کلی سئوالی که در اینجا وجود دارد این است که آیا حجاب امری خصوصی یا شخصی است؟ اگر در حوزه دخالت و مسئولیت حکومت قرار می گیرد؛ بر اساس پیام هشت ماده ای که همه مستند به احکام و ادله شرعی است، به ویژه بند ۶ آن، ورود به حریم خصوصی افراد، جرم و گناه است و بدون اجازه جایز نیست (۱۱). بنابراین، مسئله حجاب و بی حجابی وقتی در حوزه خصوصی افراد باشد. از نظارت و دخالت حکومت خارج است. البته در سطح جامعه و بیرون از حوزه خصوصی، وضعیت متفاوتی دارد، چنان که پیامبر اسلام پس از اجرای حد بر یکی از مسلمانان گناهکار، در سخنانی فرمود: « من أصاب من هذه القاذورات شيئاً فليستتر عننا بسترالله فإنه من يدي لنا صحفته نقم عليه حد الله » (کسی که مرتکب چیزی از این آلودگی ها شد، به ستر الهی بیوشاند؛ زیرا هر کسی در مقابل ما بایستد و آشکارا عصیان کند (یا عصیان خود را آشکار سازد) حد الهی را به گناهان علنی محدود کند؛ زیرا اگر برای محکمه اسلامی بر اساس ضوابط ثابت شود؛ هر چند در پنهانی، گناه دارای حد یا تعزیری مرتکب شده است، به سزای گناه خواهد رسید. البته چنین نیست که حکومت در بی کشف گناهیانی باشد که پنهانی و در محدوده حوزه خصوصی افراد صورت گرفته است. مسلمانان نیز چنین وظیفه ای ندارند، افراد خطاکار نیز نه تنها وظیفه اش کارسازی گناه را ندارند، بلکه تأکید شده است توبه کنند و گناه خود را پنهان نگه دارند؛ زیرا حکومت خود، ابتدائاً نه تنها بنای پیگیری و تجسس را ندارند، بلکه اساساً چنین اجازه ای را ندارد. بنابراین می پذیریم که حکومت اسلامی دست کم در گام نخست و بالذات حق دخالت در حوزه خصوصی افراد را ندارد، حتی اگر بداند گناه شخصی اتفاق افتاده یا در حال رخ دادن است. مثلاً می داند در یک جمع خانوادگی بدون این که مفسده ای اجتماعی و عمومی داشته باشد و بی آنکه جنبه علنی پیدا کند، افرادی وظیفه حجاب اسلامی را رعایت نکرده و بی حجاب در جمع حاضر شده اند. باین حال، این مسئله است که آیا حکم حجاب امر خصوصی است که کاملاً در حوزه امور شخصی قرار می گیرد؟ گاه گفته می شود حجاب امر شخصی است و بدین طریق، آن را در حوزه خصوصی قرار می دهند، چنان که برخی گفته اند: شروع و انجام حجاب از طرف شخص است و جنبه فردی دارد. این دسته از نظریه پردازانی که معتقد به فردی بودن حکم حجاب هستند، معتقدند که چون حجاب از احکام تکلیفی و فردی است، پس یک تکلیف شخصی محض است نه یک مسئله اجتماعی، و حکومت دینی حق الزام در این گونه اعمال و فرایض را ندارد؛ عقاید دینی و احکام الهی متوقف بر باور است که امری قلبی است و امور قلبی

قابل تصرف نیست و با منع، اکراه و اجبار حاصل نمی شود و قابل تخصیص و تقیید نیست، بنابراین حکومت دینی نمی تواند با اجبار و زور افراد را ملزم به انجام تکالیف الهی مانند حجاب کند. به ویژه درباره احکام عبادی و تکالیف فردی که مربوط به رابطه خدا و فرد است و باید همراه با قصد قربت باشد؛ زیرا قصد قربت، عمل قلبی است و الزام در آن معنا ندارد. امام خمینی (ره) می فرماید: « در نماز و حج نیز جهات اجتماعی و سیاسی مربوط به زندگی و معیشت دنیوی وجود دارد (۱۱)، بنابراین رابطه تساوی بین عمل تقریبی و فردی برقرار نیست و اینها لازم و ملزوم هم نیستند و می توان رابطه عموم و خصوص من وجه را تصور کرد. در نقد دیگری باید گفت که جستجو و تتبع در آیات اجتماعی قرآن به روشنی نشان می دهد که بیشترین آیات اجتماعی قرآن خطاب به مؤمنان است (ر.ک بقره / ۱۷۸). مسئله این است که نباید فردی بودن امری را معادل با اجتماعی بودن حکم آن دانست. برای مثال انفاق امری اجتماعی است، اما حکم و امر قرآن به آن فردی است؛ یعنی شخصی که می تواند انفاق کند و می تواند نکند و حکومت حق الزام ندارد. در این صورت می توان گفت که حجاب یک مسئله اجتماعی است، اما حکم و جوب آن فردی است. رعایت برخی مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید می کند که در معاشرت های اجتماعی روش خاصی داشته باشند. اما این به معنای زندانی کردن یا بردگی نیست و نمی توان آن را منافی حیثیت انسانی و اصل آزادی فردی دانست، طرفداران این نظریه معتقدند که حکم حجاب از احکام اجتماعی سات، زیرا پیوند وثیق و ارتباط مستقیم با جامعه و نظام حاکم بر جامعه اسلامی دارد هر چند نافی وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر زبانی نیست. مهم ترین دلیل الزام حجاب در حکومت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است که در ضرورت و جوب آن بحثی نیست که نشان می دهد در اسلام استفاده از اجبار در حکم شرعی جایز است، البته در صورت شرایط و حفظ حدود، نکته مهم این است که عموم فقهاء استفاده از قدرت را مختص حکومت می داند (۱۲). پس نتیجه می گیریم حجاب و بی حجابی حتی اگر امری شخصی باشد، وقتی خارج از حوزه خصوصی قرار می گیرد، موضوعی برای دخالت و مسئولیت حکومت می شود (چون در بیشتر اوقات عدم رعایت حجاب تأثیر مستقیمی بر امنیت اخلاقی جامعه دارد و ممکن است موجب فساد اخلاقی در اجتماع و باعث زمینه سازی ارتکاب گناهان و اعمال حرام دیگر شود)؛ درست مانند برخی مقررات رانندگی که بی توجهی به آن تنها به زیان شخص خواهد بود، ولی مأموران حکومت حق جلوگیری از آن را دارند، مانند داشتن کلاه یا بستن کمربند ایمنی.

امروزه بُت عصر ما همین بی حجابی و آزادی است. بدیهی است که اگر بی حجابی و آزادی را به معنای غربی بگیریم که بر اساس آن هیچ کس حق ندارد در امور مربوط به کسی دیگر دخالت کند، امر به معروف و نهی از منکر، از آنرو که دخالت در امور دیگران شمرده می شود، با آزادی در تنافی خواهد بود با وجود چنین منافاتی

روانی افراد جامعه مخصوصاً مردان نیز بسیار مهم است. وقتی در اجتماع زنان به اصول اخلاقی پایبند باشند و در حفظ حریم حجاب و عفاف تلاش کنند و ارزش‌های معنوی خود را حفظ کنند؛ نه تنها از سلامت روحی و جسمی برخوردار می‌شوند، بلکه افراد جامعه نیز از تنش‌های روحی و روانی در امان خواهند ماند.

۳-۱ آثار منفی بی‌حجابی در اختلالات روانی جامعه یکی از پیامدهای سوء و ناگوار برحجابی و ابتدال در پوشش، ایجاد اختلالات روانی در فرد می‌باشد. بعضی از زنان بر اساس نیاز ذاتی و فطری خود برای جلب رضایت محیط به خودآرایی و جلوه‌گری پرداخته، فکر و اندیشه خود را خواسته‌ناخواسته در بعد تمایلات و تخیلات پوچ محدود می‌کنند. پوشش ناقص زن در جامعه فشارهای جبران‌ناپذیری بر روان، اعصاب و شخصیت او وارد می‌سازد، چرا که او در این حالت خود را در معرض پاسخ‌گویی به تهاجم‌نظرها و افکار مختلف می‌بیند. از محقق ساختن شخصیت خود عاجز می‌ماند. در این صورت یا به سوی بی‌تفاوتی و بی‌قیدی کشیده می‌شود و یا به تخیلات و اعمال نامناسب دست می‌زند که در هر دو صورت خود و اطرافیانش را از نظر روانی، عقلانی و فرهنگی در معرض سقوط قرار می‌دهد.

۲. حق رفاه و تأمین اجتماعی

به موجب ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر کس به عنوان عضو جامعه حق تأمین اجتماعی دارد. همچنین بند ۱ ماده ۲۵ این اعلامیه نیز حق هر کس را از سطح زندگی کافی شامل خوراک و پوشاک و مراقبت‌های پزشکی و دیگر خدمات اجتماعی که در مواقع خاص مانند پیری، ناتوانی، عقب‌افتادگی و... را به رسمیت می‌شناسد. در حقوق داخلی نیز تأمین اجتماعی ریشه در قانون اساسی داشته و مربوط به راهکارهای حمایت اجتماعی از شهروندان می‌باشد. بند ۱۲ اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از تکالیف دولت را پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و تعمیم بیمه دانسته است. اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از حقوق غیرقابل تعطیل و فراگیر ملت را حق تأمین اجتماعی دانسته است. سازمان تأمین اجتماعی در یکی از بخش‌نامه‌های صادره (۱۳) تعریف نسبتاً جامع و مانعی از مفهوم تأمین اجتماعی ارائه کرده است. طبق این تعریف، تأمین اجتماعی یعنی: «امنیت خاطر و فراغت بال از آتیه و اطمینان از حضور چتر حمایتی به هنگام پیری و از کار افتادگی و درماندگی و غیره». در نتیجه اگر تأمین اجتماعی در معنای کلی مد نظر قرار گیرد، عبارت است از: کوشش‌ها و مساعی دولت‌ها در جهت جبران خسارت در پاره‌ای حوادث و اتفاقات اجتماعی با توجه با امکانات خود و به تبعیت از شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه مربوطه، حق بر تأمین اجتماعی برای کمک و تأمین مالی طبقات خاص به ویژه دربارۀ خانواده‌ها، کارگران، بیماران جسمی و روانی و بیکاران پیش‌بینی شده است.

۱-۲ رویکرد اسلام به مسئله تأمین اجتماعی و سلامت روانی جامعه

، باید فرد تصمیم بگیرد یا آن آزادی و بی‌حجابی را بپذیرد و دستور خدا را کنار زند، یا این که به دستور خدا گردن نهد و آزادی را کنار گذارد. به همین جهت که از دیدگاه غربیان، امر به معروف و نهی از منکر که از ضروریات دین و واجب‌ترین واجبات اسلام است، فضولی و دخالت در کار دیگران به شمار می‌آید، بنابراین اگر همه اعضای جامعه بخواهند با نسلی با فرهنگ اصیل اسلامی روبرو شوند که جامعه را به سوی سعادت پیش ببرند باید همه به قانون الهی و حکیمانه حجاب که مطابق فطرت خدایی انسان است احترام گذاشته و همدیگر را به حجاب اسلامی توصیه و سفارش کنند.

۲-۱ آثار مثبت حجاب در سلامت اخلاقی و افزایش روانی افراد جامعه

همواره باید هر چه به سلامت اخلاق جامعه لطمه می‌زند، ریشه کن شود و هر چه سلامت اخلاق جامعه را تضمین می‌کند تقویت گردد.

هر چه گرایش جامعه به حجاب شدت یابد، از مفاسد اخلاقی و اجتماعی، کاسته می‌شود. سلامت اخلاق جامعه، از اهداف عالیۀ اسلام است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بعثت لإتتم مکارم الاخلاق» من برای تمام کردن مکارم اخلاق، مبعوث شدم. حجاب زن، به نص قرآن کریم عفاف اوست و عفاف او، خدمتی است به سلامت جامعه.

زن با پوشش شرعی خود، خانواده را استوار و پابرجا می‌سازد و بیبوده، افراد را تحریک نمی‌کند و هوس‌ها را بر نمی‌انگیزد و مردها را به مفسده نمی‌کشاند. زن با پذیرش حجاب اسلامی، بزرگترین و ارزنده‌ترین خدمات را به خانواده‌ها و جوان‌ها و بالاخره جامعه می‌کند؛ زیرا اخلاق و پاکی و فضیلت را رونق و رواج می‌بخشد.

قبل از ظهور اسلام، نه تنها زنان ارزشی نداشتند؛ بلکه داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمد: «وَ إِذَا بَشَّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ» (نحل/۵۸). در چنین جامعه‌ای بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب و حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد.

بر این اساس، حجاب وسیله‌ای است در خدمت زن تا موفقیت خویش را در جامعه تحکیم کرده و شخصیت و احترام خویش را فزونی بخشد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِئِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَ يُوذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» «ای پیامبر به همسران و دختران و همه زنان مسلمان بگوی که روسری‌ها را به خویش نزدیک سازند تا [به عفاف] شناخته شوند و مورد آزار اوباشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است» (احزاب/۵۹). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت حفظ حجاب و عفاف زنان علاوه بر این که در آرامش روانی آنان نقش مؤثری دارد، در آرامش

یکی از مسئولیت‌هایی که در اسلام بر عهده تمام مسلمانان، به ویژه حکومت گذاشته شده، تأمین نیازهای ضروری افراد است که به علل گوناگون یا درآمدی ندارند یا درآمدشان برای تأمین زندگی کافی نیست. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر، پس از سفارش اصناف چهارگانه کشاورزان، صنعتگران، بازرگانان و کارمندان که نیروهای فعال و موکد جامعه اند، متوجه طبقه دیگری متشکل از یتیمان، مسکینان، ناتوانان و معلولان می‌شود و می‌فرماید: سپس خدا را، خدا را در نظر بگیر، در مورد طبقه پایین مردم، آنان که در راه چاره‌ای ندارند، از درماندگان، نیازمندان، بیماران و زمین‌گیران؛ به درستی که در این طبقه، افرادی قانع وجود دارد که نیازشان را به روی خود نمی‌آورند. برای خدا، حقی را که خداوند نگاهبانی آن را برای آنان به تو سپرده، حفظ کن و بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های خالصه را در هر شهر به آنان واگذار... امام علی (ع) می‌فرماید: «هر کسی مالی بر جای نهد، از آن وارثانش خواهد بود و هر کس باری در جای نهد، ما آن را بر خواهیم داشت (۱۴). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کسی که خداوند، او را مسئول امور مسلمانان کرده، اما به نیازها و فقر آنها بی‌توجهی می‌کند، خداوند نیز به نیازها و فقر او بی‌توجهی خواهد کرد (۱۵). و همچنین «کسی که سیر بخوابد، در حالی که همسایه‌اش گرسنه است، به من ایمان نیاورده است؛ و هیچ آبادی نیست که در آن کسی شب را با گرسنگی‌اش گرسنه بگذراند و خداوند روز قیامت به اهل آن آبادی نظر کند (۱۶). پس نتیجه می‌گیریم که همه مسلمانان در تأمین نیازهای ضروری نیازمندان و بدهکاران مسئولاند و فقط به دولت اختصاصی ندارند. و برخی از اقتصاددانان معتقدند اگر نظام اقتصادی اسلام به معنای درست خود اجرا شود، کودکان و یتیمان بی‌سرپرست، نیازمندان و بدهکاران و در راه ماندگان، بسیار بالاتر، سخاوتمندانه‌تر و شرافتمندانه‌تر از انواع بیمه‌ها و نظام‌های تأمین اجتماعی رایج در کشورهای پیشرفته، تأمین می‌شوند. امام خمینی (ره) تأمین نیازمندی‌های ناتوانان و در ماندگان را در حد کفایت بر عهده دولت می‌داند (۱۷). لذا به جرأت می‌توان گفت که قوانین و مواد مختلفی در قانون اساسی و همچنین سایر جنبه‌های قانونی کشور ایران نسبت به تأمین و ارج نهادن به حقوق افراد متبوع کشور، ذکر گردیده است. به استناد هر کدام از این اصول و مواد قانونی جنبه‌ای از زندگی افراد مورد توجه قرار گرفته و نیازهای اساسی در زمینه‌های مختلف تحت لوای این حمایت‌های قانونی، از سوی دولت‌ها برای مردم انجام می‌پذیرد و از این لحاظ، ایران یکی از کشورهای پیشگام در عرصه به رسمیت شناختن حقوق اجتماعی و مدنی افراد در بین سایر کشورهاست؛ زیرا هم روح تعالیم اسلامی در متن مواد قانونی دیده می‌شود و هم به لحاظ عرفی، این موارد در قانون گنجانده شده است.

۱. حق آزادی و امنیت شهروندی

امنیت در فرهنگ عمید: ایمنی، آرامش و آسودگی و در فرهنگ معین به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است (۱۸). و در اصطلاح به معنای «نبود تهدید است» (۱۹). و به معنای «حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید یا حمله می‌باشد» (۲۰). امنیت به معنای اولیه آن یعنی تأمین جانی از عوامل به وجود آورنده دولت است؛ یعنی وظیفه اصلی دولت استقرار و حفظ امنیت در اجتماع است. امنیت، رسیدن به سطحی از اطمینان خاطر برای تحصیل و صیانت از کلیه منافع ملی است. امروزه امنیت از معنایی که هابز برای آن در نظر می‌گرفت "حفظ جان شهروندان" و یا معنایی که در اندیشه لاک وجود داشت "حفظ مال و دارایی شهروندان" فراتر رفته است. امنیت علاوه بر مسائل جانی و مالی به حوزه‌های متفاوت آزادی، مشارکت سیاسی، تأمین استقلال، رفاه و... نیز سرایت کرده است. امنیت اجتماعی از زمینه‌های اصلی اجرای عدالت و مناسب‌ترین بستر پدید آمدن تعادل در جامعه است و بدون امنیت نیم‌توان به امور دیگر جامعه رسیدگی کرد. برقراری امنیت (داخلی - خارجی) در جامعه از مهم‌ترین وظایف و کارکردهای دولت در قبال شهروندان است. شهروند قانونی شهروندی است که خودسرانه به اعمال خشونت نپردازد و در نتیجه در جایی که شهروندان دفع خشونت و دفاع از امنیت خود در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند را در قالب معیارهای قانونی به عهده دولت گذارده‌اند. هر نوع تعلق یا ناتوانی دولت در تأمین حقوق شهروندی منجر به سلب مشروعیت دولتی و بازگشت تخصیص دفاع یا خشونت مشروع به تک‌تک شهروندان خواهد بود. اسلام امنیت را یکی از اصول زندگی و حالتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی جمعی و عنصری ضروری در بهره‌مندی از مزایا و مواهب حیات و نیز زمینه‌ساز تکامل و ارتقای بشری تلقی کرده است. برای نمونه آیه ۱۱۲ سوره نحل، شهری که برخوردار از امنیت است را به عنوان الگو و سزیمین ایده آل معرفی می‌کند. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور در برگزیده موضوع توجع به امنیت می‌باشد. در این آیات بخشی از آداب معاشرت و دستورهای اجتماعی اسلام که ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به حفظ عفت عمومی دارد، بیان شده است و آن طرز ورود به خانه‌های مردم و چگونگی اجازه ورود گرفتن است (۲۱). امنیت واقعی مبتنی بر نظم و قانون الهی همواره مورد تأکید امام علی (ع) و از اهداف عالی حکومت ایشان بوده است و در خطبه‌های ۱۴۶، ۱۲۴، ۱۱۸، ۴۴، ۳۳ به این موضوع اشاره کرده است. امام به علت ضرورت وجود امنیت و قدرتی نظم‌آفرین در جامعه عدم وجود حکومت را امری محال می‌داند و حتی حکومت بد و قوانین نامطلوب را از هرج و مرج و بی‌قانونی بهتر می‌داند، زیرا در برابر بی‌قانونی و هرج و مرج تمام راه‌های نجات مسدود و کلیه امور و حدود تعطیل می‌شود. در بند ۴ خطبه ۱۴۶، نقش وحدت بخشی و حفظ انسجام جامعه برای حاکم از همه مسائل دیگر از جمله جهاد با دشمنان خارجی به مراتب مهم‌تر، بلکه مقدمه لازم و

بهتر است از عبادت هفتاد سال، همراه با شب زنده داری و روزه داری و...

۳. اهتمام به اهتمام به اصول عدالت اجتماعی

تحقق عدالت اجتماعی در گروه اجرای صحیح اصول توسعه اجتماعی که عبارتند از همگانی شدن تسهیلات آموزشی، پرورشی، بهداشتی و درمانی و برنامه ریزی برای رشد عموم مردم و گسترش سواد آموزی به صورت فراگیر و افزایش امنیت اجتماعی در همه ابعاد و حفظ طراوت و شادابی جامعه و برنامه ریزی جهت پیشگیری از آسیب های اجتماعی و تناسب میزان سرانه سلامتی با نیازهای واقعی مردم و قرار دادن بنیان جامعه بر اساس نظم و انضباط اجتماعی و تقویت روح برادری، برابری، گذشت، همیاری، آزادگی و مراعات حقوق دیگران و... به منظور تأمین اصول عدالت اجتماعی لازم است توسعه اجتماعی در یک جامعه عبارت است از: فرآیند رشد جامعه در جهت رسیدگی به نیازمندان، افزایش امنیت اجتماعی، جبران خسارت ها، پیشگیری از آسیب ها، محافظت از مردم در برابر حوادث و تضمین برخورداری همگان از مواهب اولیه زندگی.

نتیجه گیری

به تبعیت از نظام حقوقی اسلام، احکام و تعالیم شرعی و دستورات و آموزه های اخلاقی و فرهنگی ایران طیف گسترده ای از حقوق اقتصادی، اجتماعی در حقوق ایران و در قوانین و مقررات مختلف، به ویژه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد شناسایی قرار گرفته است.

حفظ حجاب سلامت روانی جامعه را به دنبال دارد. اصرار و تأکید شریعت به حفظ حجاب نه فقط بخاطر ثواب اخروی است. بلکه دلایل دیگری نیز دارد که ایجاد آرامش روانی در متن جامعه یکی از همین دلایل است. حفظ حجاب تأثیر مهمی در سلامت روانی جامعه دارد و اگر این مسئله به درستی تبیین بشود بسیاری از مخالفان نظرشان تغییر خواهد کرد. روان جامعه به واسطه بی حجابی دچار خدشه می شود و امنیت و آرامش روحی و روانی جوانان را از بین می برد، در حالی که حفظ حجاب، سلامت روانی جامعه را به ارمغان به دنبال دارد.

حقوق اجتماعی نوعی از وظایفی است که هر یک از افراد و یا طبقات اجتماعی بر یکدیگر دارند که با رعایت این حقوق فرد احساس امنیت روانی و اجتماعی می کند و خود را در برابر دیگران مسئول می بیند.

اسلام در دیدگاه خود انسان را موجودی اجتماعی می شناسد و تکامل آن را در پایه تکامل اجتماعی می داند. از نوع خطابات قرآن که خطاب به جمع می نماید، این مسئله کاملاً واضح و روشن می شود. در قوانین اسلامی برای مسلمین قوانینی وضع گردیده است که زندگی خود و خانواده و اجتماع را با حفظ شؤونات اجتماعی به سمت بهتر شدن و پیشرفت هدایت کنند.

زیربنای آن شمرده است. در خطبه ۱۴۸ بر جلوگیری از وقوع آشوب و فتنه (بی نظمی) در جامعه تأکید شده است و دولت مکلف است به محض مشاهده آثار بی نظمی در جامعه درصدد جلوگیری از بی نظمی و بی قراری امنیت برآید. امام علی (ع) در جنگیدن با کسی که مخالفت حق کرده، قوانین حاکم را زیر پا گذارده است و موجب برهم خوردن نظم و امنیت شهروندان در جامعه شده است، عزم جدی داشته و هیچ گونه مسامحه و سستی را بر خود روا نمی اند و هدف از جنگ های خود را صرفاً اجرای قوانین حاکم بر جامعه و برقراری نظم، امنیت و آرامش در جامعه می داند تا در سایه آن همه شهروندان به حقوق قانونی خود برسند.

برای دستیابی به یک محیط سالم اولین گام امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی است. البته با در نظر گرفتن مراتب و شرایط آنها: «و باید از میان شما گروهی مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند (آل عمران ۱۰۴)». قواعد فقهی که با توجه به آیات و روایات و سیره منتشره برای تأمین حقوق فردی و اجتماعی افراد جعل شده اند عبارتند از قاعده نفی سبیل، قاعده احترام مال و عمل مسلمانان، قاعده اهم و مهم، قاعده سلطنت، قاعده لاضرر و... می باشد. حق حیات و برخورداری از امنیت و آزادی در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. در اصل سی و دوم قانون اساسی آمده است: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد، مگر به حکم ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر متهم، ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت، دلایل، بلافاصله کتباً پرونده مقدماتی برای مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل مطابق قانون مجازات می شود».

۲. برقراری عدالت

اجرای عدالت یکی از آرمان های بلند انسان ها در طول تاریخ پرفراز و نشیب بشریت بوده و می باشد. خداوند متعال در قرآن مجید در آیه ۹۰ سوره نحل به این آرمان عظیم انسانی فرمان می دهد و چنین می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (امام علی (ع) در تفسیر این آیه چنین می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ، الْعَدْلُ: الْإِنصَافُ وَالْإِحْسَانُ الْفَضْلُ» (نهج البلاغه، قصار الحکم، ص ۲۳۱). در آیه ۲۵ سوره حدید آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». عدالت اجتماعی زیر بنای سلامت جامعه اسلامی امکان پذیر نیست. امام علی (ع) دستوراتی را در جهت مراعات عدل و انصاف در زمینه رفتار کارگزاران حکومت با مردم در امور اقتصادی بیان فرموده است. پیامبر اکرم (ص) در زمینه اهمیت حکمرانی و فرمانروایی در پرتو عدالت، چنین می فرماید: «عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلَهَا صِيَامٌ نَهَارُهَا وَ...». عدالت ورزی به مدت یک ساعت،

References

The Holy Quran

Nahj al-Balagha

1. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar, Legal Terminology (Tehran, Ganj Publications, 1372.)
2. Sanei, Parviz, Law and Society, Tehran; Publication of the new design, 2013.
3. Omid Zanjani, Abbas Ali, Fundamental Rights of Iran, Tehran, Tehran University Press, 2015.
4. Navabakhsh, Mehrdad, Examining the concept of city and citizenship from the perspective of sociology, Journal of Sociology, No. 5, 2015.
5. Agha Bakshi, Ali; Afshari Rad, Mounir, "Political Science Culture", Publications of the Center for Information and Scientific Documents of Iran, second edition.
6. Omid, Hassan, Farhang Omid, Amirkabir Publications.
7. Ibn Manzoor, Mohammad Bin Makram, Lasan al-Arab, (Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies, first edition, 1385.
8. Motahari, Morteza, Islam and the requirements of time, Tehran, Sadra, 2012.
9. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, the largest Farizah, Qom; Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute, third edition, 1390.
10. Hashemi, Seyedah Mina, Privacy in Sharia, Rushd Magazine, Educational Education, p. 27.
11. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, Al-Astsahhab, Tehran; Imam Khomeini Editing and Publishing Institute, 3rd edition, 1386.
12. Najafi, Mohammad Hassan, Jawaharlal Kalam, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya, 1362.
13. Collection of technical letters, Social Security Organization, pp. 4 to 8
14. Kilini, Muhammad bin Yaqub, Al-Kafi, Tehran, Darul-e-Kitab al-Islamiya, 1407.
15. Majlesi, Muhammad bin Baqir bin Muhammad Taqi, Bihar al-Anwar, Tehran, Islamiyah Publishing House, 2016.
16. Harr Aamili, Mohammad Bin Hassan, Shi'ite Tools, Tehran, Islamiya Publishing House, 4th edition, 2019.
17. Khomeini, Rooh A., Sahifeh Noor, Tehran, Center for Cultural Documents and Islamic Revolution.
18. Moin, Mohammad, Farhang Moin, Tehran; Zarin, third edition, 1386.
19. Shariatmadar Jazayeri, Seyyed Nuruddin, Security in Islam, Political Science Quarterly, No. 34.
20. Ashouri, Dariush, "Political Encyclopaedia", Marwarid Publications, 1373.
21. Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir al-Nashon, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya, 1366.